

وضعیت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران و آینده آنان

مرتضی شیرودی^۱

چکیده

معمولاً از گذشته زنان و در آن، از حقوق دست یافته و نیافته آنها سخن به میان می آید، ولی کمتر از آینده زنان سخن گفته می شود. این نگاه در گفتار و نوشتار اندیشمندان، نویسندگان و سیاستمداران ایرانی پیش و پس از انقلاب اسلامی به وضوح به چشم می خورد، ولی در کلام امام خمینی (رحمه الله)، مقام معظم رهبری و در قوانین جمهوری اسلامی، از آینده سیاسی زنان و از علاقه به بهبود وضعیت سیاسی آنان، هم سخن بسیار به میان آمده است و هم در آنها می توان دریافت که چه نوع آینده سیاسی برای زنان ایرانی در پیش است. نوشته حاضر در همین زمینه نگاشته شده است.

کلیدواژه ها: زنان، سیاسی، پهلوی، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، آینده.

^۱ محقق و مدرس حوزه و دانشگاه؛ عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

مقدمه

برای یافتن پاسخ یا پاسخ هایی به سؤال اصلی مقاله، نخست از وضعیت سیاسی زنان در دوره پهلوی سخن می گوئیم، آنگاه به تحوّل که در وضعیت سیاسی زنان پس از انقلاب اسلامی روی داده است، می نگریم. سپس به موضوعاتی که آینده سیاسی بهتری برای زنان ایرانی رقم می زند، می پردازیم و در آن بر این نکته پای می فشاریم که اگر بهبود وضع سیاسی زنان در جمهوری اسلامی همچون گذشته توسعه یابد، بی گمان در کنار اجرای موادی که قوانین کنونی پیش بینی کرده اند، وضع سیاسی بهتری در انتظار زنان ایران خواهد بود. البته دست یابی به این اهداف در گرو رعایت تکالیف شرعی آنان است.

نگاهی به وضعیت سیاسی زنان

مقایسه کمی و کیفی حقوق کسب شده و میزان عددی و محتوایی فعالیت های سیاسی و اجتماعی زنان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، تفاوت های عمیقی را به تصویر می کشد. به بیان دیگر، آمار و ارقام، قریب به اتفاق همه تلاش های زنان امروز را در سطحی بالاتر از پیش از آن نشان می دهد، اما آنچه به هیچ روی قابل مقایسه با گذشته نیست آن است که تحوّل نوین در نگاه و نگرش به زن پدید آمده که قبلاً در عرصه حاکمیت سیاسی وجود نداشته است. این تغییر، خود منشأ دگرگونی های تکاملی و الهی قابل توجهی درباره زنان شده است، تا جایی که امام خمینی (رحمه الله) از زنانی که متحوّل شدند و با این تحوّل، کارهای بزرگ آفریدند، به خود می بالید و به این دسته از زنان، که بیشتر زنان کشور را در بر می گرفت، افتخار می کرد.

الف. زنان در دوره پهلوی

وضعیت زنان در دوره پهلوی را می توان در چهار عرصه ذیل مورد ارزیابی قرار داد:

۱. با وجود توجه و تأکید ظاهری رژیم پهلوی بر حضور گسترده زنان در جامعه، رضاخان و پسرش هیچ گاه نظر خوشی درباره زنان نداشتند. رضاخان ارزشی برای بانوان قایل نبود و تا جایی پیشرفت زنان را قبول داشت که برای مردان سیاست، مزاحمتی ایجاد نکند. در واقع، او ارزش زن را در فریبایی او می دید و شاید به همین دلیل بود که علی رغم تظاهراتی که درباره پرهیز از هوسرانی نسبت به زنان از خود نشان می داد، چهار زن دایمی در پرونده خود داشت، ولی پسرش عیّاشی شاهانه را، هم در خلوتکده ها و هم گاه بی محابا و بدون پرده پوشی انجام می داد و گاه رسوایی های پر سر و صدایی به همراه می آورد. محمّد رضا بر این باور بود که زنان تنها هنگامی اهمیت خود را به دست می آورند که بتوانند به درستی از مردان دل ربایی کنند. این دیدگاه وی حتی در کارگزاران سطوح پایین تر رژیم رواج داشت که نمونه آن روابط عاشقانه و نامشروع / شرف پهلوی بود که زبازد عام و خاص است. (طفرانگار، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳۲)

۲. تا انقلاب مشروطه، انتخاباتی در ایران وجود نداشت. پس از آن و تا اوایل دهه ۱۳۴۰ نیز تنها مردان حق داشتند در انتخابات، که غالباً فرمایشی بود، شرکت کنند و زنان بر اساس ماده پانزدهم قانون انتخابات در کنار کسانی همچون ورشکستگان به تقصیر، محجوران، متکدیان حرفه‌ای، محکومان دادگستری، سارقان و دیگر خلاف‌کاران قرار می‌گرفتند که از حق رأی محروم بودند. رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۱، بحث مجاز بودن زنان به انتخاب شدن و انتخاب کردن را در تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح کرد. اما علی‌رغم لغو این تصویب‌نامه به علت مخالفت‌های مردمی، دولت در ۱۲ اسفند ۱۳۴۱ اعلام کرد: طبق فرمان شاه، زنان رسماً حق دارند در انتخابات آینده شرکت نمایند، و این فرمان تا پیروزی انقلاب اسلامی اجرا می‌شد، و موجب گردید تعدادی از زنان به نمایندگی مجلس سنا و شورای ملی گمارده شوند، ولی هیچ‌گاه هدف حکومت پهلوی از این حرکت، مشارکت راستین زنان در سیاست و اجتماع نبود، بلکه به صورت تاکتیکی و سیاسی از آن بهره‌گرفت تا بتواند به تبلیغات عوام‌فریبانه وسیعی درباره برابری حقوق زن و مرد دست بزند و به این وسیله، مخالفان خود را منزوی نماید، ولی حضرت امام (رحمه الله) با این اقدام مخالفت کرد؛ به آن دلیل که هدف واقعی رژیم به فساد کشاندن زنان بود. (ارشدی، ۱۳۸۴، ص ۸۳-۷۸)

۳. تا پیش از اردیبهشت ۱۳۴۲، که خانم فرخ‌رو پارسای به معاونت وزارت آموزش و پرورش و سپس در شهریور ۱۳۴۷ به مقام وزارت آموزش و پرورش (کابینه هویدا) رسید، هیچ زنی را نمی‌توان یافت که دارای منصب سیاسی باشد، ولی پس از آن، زنان کم و بیش، برخی از مناصب سیاسی و اجرایی را در اختیار گرفتند؛ از جمله در سال ۱۳۴۶، شاه‌فرح پهلوی را به نیابت از سلطنت منصوب کرد. در سال ۱۳۵۴ مهناز افخمی به عنوان مشاور نخست‌وزیر (جمشید آموزگار) در امور زنان انتخاب شد و سرانجام، مهرانگیز دولت‌شاهی در سال ۱۳۵۵ به عنوان سفیر ایران به دانمارک اعزام گردید. نکته مهم درباره این دسته از زنان آن است که بیشتر آنها یا از همسران یا بستگان نزدیک به رجال و افراد بانفوذ در دستگاه حکومت و یا از فامیل‌های امرای ارتش بودند، و یا به دلیل ارتباط با آنها به مقام‌های سیاسی و یا حتی به نمایندگی مجلس شورا و سنا دست یافتند. علاوه بر این، آنها برای انتخاب شدن، باید در بست رژیم را می‌پذیرفتند و شایستگی خود را در فساد و ابتذال نشان می‌دادند! (ارشدی، ۱۳۸۴، ص ۸۳-۷۸)

۴. تأمین اجتماعی عبارت است از: برخورداری از امنیت در اجتماع و عدم دل‌نگرانی از آسیب‌ها و تهدیداتی که به گونه‌ای رفاه اجتماعی و امنیت سیاسی زنان را به هم می‌ریزد. در دوره قاجارها، تأمین سیاسی - اجتماعی در حد نازلی بود. دلیل اثبات این ادعا وقوع نهضت‌های مردمی برای دست‌یابی به حقوق سیاسی و اجتماعی است. پس از مشروطه، نه از رفاه اجتماعی خبری بود و نه از امنیت سیاسی. در دوره رضاخان، اگرچه در رفاه اجتماعی، وضع کمی بهتر از گذشته شد، ولی امنیت اجتماعی بانوان با اجرای قانون اجباری کشف حجاب، بکلی از بین رفت. در دوره محمد رضا،

کشف حجاب اجباری نبود، ولی روح آن - یعنی عدم توجه به اعتقاد بیشتر زنان به حجاب - بر همه سیاست های رژیم حاکم بود و البته در اواخر دهه ۱۳۴۰ و در برخی از دانشگاه ها، کشف حجاب را اجباری کرد که واکنش هایی در پی داشت. (طغرانگار، ۱۳۸۴، ص ۴۵-۳۲) در این دوره، رفاه اجتماعی بهبود نسبی یافت، ولی رفاه اجتماعی بدون امنیت سیاسی نمی توانست امنیت سیاسی - اجتماعی قابل قبولی برای زنان به ارمغان آورد، اگرچه همین رفاه اندک هم بیشتر متوجه زنان شهرهای بزرگ بود.

ب. زنان در انقلاب اسلامی

با مرور چهار عرصه نحوه نگرش به زن، مشارکت زنان در انتخابات، تصدی مناصب سیاسی، و میزان تأمین اجتماعی، می توان به وضعیت زنان ایرانی پس از انقلاب اسلامی پی برد:

الف. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زن از هویتی اسلامی - الهی برخوردار شد. در این بینش و رویکرد، زن در عین آنکه ویژگی های زن بودن خود، همچون احساسات رقیق، عواطف جوشان، مهر فراوان و صفای پاک را حفظ می کند، در میدان ارزش های معنوی مانند علم و عبادت نیز پیش روی می کند، و در عرصه مسائل سیاسی - اجتماعی هم با درک و هوش بالای سیاسی حضور می یابد. این الگوی يك زن مسلمان است. (خامنه ای، ۱۳۸۳، ص ۶۹) بنابراین، «اگر کسی بگوید مرد می تواند درس بخواند، زن نمی تواند؛ مرد می تواند درس بگوید، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمی تواند؛ مرد می تواند فعالیت سیاسی کند، زن نمی تواند؛ منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه این فعالیت ها،... زن و مرد دارای اجازه مشترك و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آن ها تطبیق نمی کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آن ها تطبیق نمی کند.» (خامنه ای، ۱۳۸۳، ص ۶۹)

این نگرش جدید مبنای تغییر در وضع همه جانبه مادی و معنوی زنان گردید که هر روز، روند پرشتاب تر می گردد. روند پرشتاب حرکت احقاق حقوق اسلامی زنان را می توان در مقوله های فراوانی از جمله در مسئله انتخاب شدن، پُست گرفتن و ارتقای تأمین اجتماعی زنان به وضوح دید.

ب. پس از انقلاب اسلامی، زنان در همه عرصه های سیاسی حضور فعال یافتند، ولی آنها در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی، تنها انتخاب کننده نبوده، بلکه خود نیز از سوی مردم به نمایندگی انتخاب شدند. در دوره های مجلس، تعداد زنان داوطلب نمایندگی مجلس همواره رو به افزایش بوده است. این رقم در مجلس دوم ۳۲، سوم ۴۷، چهارم ۸۶، پنجم ۳۵۱ و ششم ۵۰۴ نفر را نشان می دهد. (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱-۱۶۶) این افزایش حضور، بی شك، از دلایلی است که

نرخ مشارکت زنان را در سال ۱۳۸۲ به بالاترین حد خود در تاریخ معاصر ایران یعنی به رقم ۱۴/۸ درصد می‌رساند.

جلوه دیگر حضور زنان در مقوله شوراهای اسلامی اتفاق افتاده است. در دوره پهلوی، شوراهای محلی و شهری و روستایی شکل نگرفت تا میزان حضور زنان در آن قابل سنجش با دوره پس از انقلاب اسلامی باشد، ولی درصد نمایندگان زن انتخاب شده در اولین انتخابات شوراهای اسلامی، ۰/۸۴

درصد بود و این رقم در دومین دوره انتخابات شوراهای به عدد ۱/۵۱ درصد افزایش یافت. این افزایش در بیشتر استان‌های کشور دیده می‌شود؛ مثلاً، درصد مشارکت زنان در دوره اول استان اردبیل ۰/۵۷ درصد و در دوره دوم ۱/۱۱ درصد و این روند در استان گلستان به ترتیب ۱/۲۲ و ۵/۳۲ درصد بود. (شیری، ۱۳۸۴، ص ۶۵-۵۶)

نتیجه مهمی که افزایش حضور زنان در شوراهای به دنبال دارد آن است که فرهنگ شورایی در بستر مشارکت زنان به خوبی شکل می‌گیرد؛ زیرا فرهنگ شورایی به مؤلفه‌هایی همچون انعطاف و صبوری نیازمند است که در زنان بیش از مردان یافت می‌شود.

ج. انقلاب اسلامی با هدف توزیع مناصب سیاسی و اجتماعی بر اساس عنصر شایستگی، پست‌های اجرایی متعددی در اختیار زنان قرار داد. موارد فراوانی از انتصاب زنان بر پست‌های اجرایی وجود دارد؛ از جمله، انتصاب:

۱- خانم شهلا حبیبی از سوی حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهور وقت - به سمت سرپرست «دفتر امور زنان» و مشاور رئیس جمهور در امور زنان (دی ۱۳۷۰)؛

۲- تعدادی از زنان متخصص در پست‌های مدیرکلی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (شهریور ۱۳۷۱)؛

۳- بتول احمدی و طاهره موسی سرشت - به ترتیب - در سمت مشاور وزیران بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت کشور (آبان ۱۳۷۲)؛

۴- اشرف السادات صانعی به عنوان معاون پژوهشی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مهر ۱۳۷۴)؛

۵- مریم نجفی زاده به عنوان یکی از معاونان وزارت دادگستری (آبان ۱۳۷۴)؛

۶- معصومه ابتکار به سمت معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست (شهریور ۱۳۷۶)؛

۷- زهرا شجاعی به عنوان مشاور رئیس جمهور و رئیس «مرکز امور مشارکت زنان»

(مهر ۱۳۷۶). (امیری، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸-۳۵۵)

البته هیچ يك از این پست ها و حتی پست های بالاتر از آن در قاموس ارزش های اسلامی بالاتر از نقش «مادری» نیست و نظام اسلامی ایران نمی تواند و نمی خواهد که کفه مسئولیت های اجرائی زنان را به زیان نقش های ذاتی آنان سنگین نماید.

د. پس از انقلاب اسلامی، تلاش های فراوانی برای تأمین بیشتر رفاه اجتماعی و امنیت سیاسی زنان صورت گرفته که بخشی از آن در عرصه قانون گذاری و بخش مهم تر آن در عرصه تغییر نگرش به زن از يك ابزار به يك موجود الهی، اتفاق افتاده است. این تلاش ها، وضعیت سیاسی - اجتماعی زنان را حتی در بخش های دیگر تحت تأثیر قرار داده است؛ مثلاً، در سال ۱۳۵۵، تنها ۵۰/۱۵ درصد زنان در مشاغل تخصصی کار می کردند که این میزان در سال ۱۳۸۲ به رقم ۲۹/۹۰ درصد رسید. سهم زنان از سبد مدیریتی کشور در سال ۱۳۵۵، ۰/۱۱ درصد و در سال ۱۳۸۲، ۱۰/۲ درصد بود. در سال ۱۳۵۵، هیچ سازمان غیردولتی زنان وجود نداشت، ولی تعداد این سازمان ها در سال ۱۳۸۲، رقم ۳۳۷ را نشان می دهد. (رجبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱-۱۶۶)

تلاش جمهوری اسلامی برای تأمین اجتماعی زنان نه به انگیزه به کارگیری آنان در مشاغل و پُست های مردانه است، بلکه هدف، تواناسازی آنان در ابعاد فکری و جسمی به منظور ایفای نقش های ذاتی بانوان همچون «مادری» و «همسری» است؛ زیرا اگر زنان در ایفای نقش مادری و همسری قصور ورزند، هم خودشان و هم جامعه متضرر می شوند. در این صورت، باقی ماندن زنان در پست ها، حاصلی برای خودشان، مردم و کشور ندارد.

نتیجه آنکه علی رغم همه شعارها، زن در همه دوره های پیش از انقلاب اسلامی، موجودی بی ارزش به شمار می آمد. حضرت امام (رحمه الله) از دهه ۱۳۴۰ به بعد، به تدریج، به زن هویتی اسلامی و انقلابی بخشید، نه تنها دیگر بی ارزش نیست، بلکه در مرکز ارزش ها قرار دارد. بدین سان، توده زنان مسلمان بیش از گذشته، خود را باور می کند و با تمام وجود، در همه عرصه ها، حضوری فعال می یابد. از این رو، سال هاست که در ابعاد اجتماعی، همچون اشتغال و مدیریت و در ابعاد سیاسی، همچون انتخابات و مناصب سیاسی، پررنگ تر از گذشته دیده می شود. اگرچه او می توانسته است بیش از این در عرصه های مزبور حضور یابد، ولی او اینک با تأسی از آموزه های دینی و رهنمودهای امام خمینی (رحمه الله) به ایفای دو نقش «مادری» و «حضور سیاسی با اولویت مادر بودن» می پردازد.

جمهوری اسلامی و آینده سیاسی زنان

دستاوردهای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی برای زنان بی نظیر است؛ مثلاً، تعداد افراد دارای مدرک فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی و حرفه ای بانوان کشور در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ به ترتیب ۷،۹، ۸/۵، ۶/۵، برابر شده است. (معاونت فرهنگی ستاد مشترک

سپاه، ۱۳۸۲، ص ۲۲۱) مشابه این وضعیت در دیگر بخش های مربوط به زنان وجود دارد، ولی همچنان کمبودهای زیادی برای نیل به مقامی که درخور شأن يك زن مسلمان انقلابی است، احساس می شود. از این رو، تلاش های زیادی از سوی برنامه ریزان و کارگزاران برای تصویب و اجرای قوانینی که به ارتقای زنان بینجامد، طی سال های اخیر و با الهام از قانون اساسی انجام شده است که نوید وضعیت بهتر و مطلوب تری برای زنان را در آینده ای نه چندان دور می دهد؛ از جمله:

الف. قانون اساسی

قانون اساسی، که اصول آن برای اداره دراز مدت کشور طراحی شده، همواره ظرفیت لازم برای استخراج و استنباط قوانین اجرایی را داراست. این موضوع، اصولی را نیز که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای بهبود وضع یا ارتقای مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان ایرانی پیش بینی کرده است، دربر می گیرد. از این رو، در مقدمه قانون اساسی، مبحث ویژه و جداگانه ای تحت عنوان «زن در قانون اساسی» گنجانده شده، اگرچه پیش از آن و در بحث از «طلیعه نهضت»، به خون صدها زن و مردی که انقلاب اسلامی را تداوم بخشیدند، اشاره شده، اما اختصاص بخشی از مقدمه قانون اساسی به موضوع زن، حکایت از میزان بالای توجه و عنایت نظام جمهوری اسلامی به زنان دارد. در مقدمه آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی - اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازمی یابند و در این بازیابی، طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده، که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیء بودن و یا ابزار کار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری، در پرورش انسان های مکتبی پیشاهنگ، و خود هم‌رزم مردان در میدان های فعال حیات می باشد و در نتیجه، پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی، برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.» (قانون اساسی، ۱۳۶۸، ص ۱۲)

پس از مقدمه، در اصول دیگری از قانون اساسی، به موضوع زنان به صورت خاص پرداخته شده است؛ از جمله در بند ۱۴ اصل سوم، که اهداف جمهوری اسلامی را بیان می دارد، آمده است: «تأمین حقوق همه جانبه افراد، اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.» طبق اصل بیستم، همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان و در حمایت قانون قرار دارند و همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. مراد از «رعایت موازین اسلامی» آن است که در فقه اسلامی، به دلیل

تفاوت های جسمی و روانی زنان با مردان، تفاوت هایی در حقوق مدنی و کیفری همچون نکاح، طلاق، ارث، ولایت، حضانت، شهادت، دیات، قصاص و مانند آن وجود دارد، ولی این تفاوت ناشی از نادیده گرفتن انسانیت و شخصیت زن نیست، بلکه به معنای پاسداشت اوست. (و با توجه به اصل وزین موازنه حق و تکلیف تشریح گردیده است.) با توجه و رعایت موازین اسلامی، قانون اساسی از دولت می خواهد همه امکانات خویش را برای «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی» به کار گیرد. (قانون اساسی، اصول ۱۴ و ۲۰)

از نظر قانون اساسی، دست یابی به فرصت های شغلی برای زن و مرد به طور یکسان وجود دارد؛ زیرا: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز شغل ایجاد نماید.»

اصل بیست و یکم نیز دولت را موظف کرده است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و فعالیت های ذیل را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛
- ۲- حمایت مادران، به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزندان، و حمایت از کودکان بی سرپرست؛

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سال خورده و بی سرپرست؛

۵- اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی

شرعی. (قانون اساسی، اصول ۳ و ۲۰ و ۲۱)

با وجود همه تلاش ها و به علت موانعی همچون جنگ هشت ساله، هنوز وضعیت زنان بر پایه اصول مندرج در قانون اساسی نیست. تهیه منشور جایگاه زن در فرایند توسعه کشور، تنظیم اصولی در برنامه چهارم توسعه درباره زنان و طرح توانمندسازی زنان، که طی سال های اخیر صورت گرفته و تاکنون به اجرا در نیامده، می تواند گویای آن باشد که هنوز راه تا بهبود کامل وضعیت زنان بر پایه اصول مترقی قانون اساسی باقی مانده است.

ب. برنامه توسعه چهارم کشور

این برنامه اولین قانون برنامه ای است که مبتنی بر يك برنامه درازمدت، یعنی بر پایه «سند چشم انداز بیست ساله» تنظیم شده. در حالی که سه برنامه اول و دوم و سوم، حداکثر به يك دایره زمانی پنج ساله محدود می شد، اما با توجه به خط مشی دراز مدت تر سند چشم انداز بیست ساله، برنامه توسعه چهارم با تأسی از بند ۱۴ سند، به مسائل زنان پرداخته است. در بند ۱۴ سند، بر

استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان تأکید شده و برای نیل به آن، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن، و در صحنه سیاسی - اجتماعی، نقش سازنده آن مورد توجه قرار گرفته است.

در برنامه توسعه چهارم، برخی مواد به مسئله زنان اختصاص یافته است؛ از جمله آنکه بر اساس ماده ۳۰، دولت موظف است در اجرای اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی به سازندگان مسکنی که برای زنان بی سرپرست خانه می سازند، یارانه کارمزد تسهیلات مسکن بپردازد. در ماده ۴۵، دستگاه های اجرایی موظف شدند درصدی از اعتبارات هزینه ای خود را برای طراحی و اجرای دوره های آموزشی ضمن خدمت کارکنان، به ویژه زنان، صرف کنند. در ماده ۶۹، تأمین بیمه خاص حمایتی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار پیش بینی شده است. در ماده ۷۹، تهیه و تدوین طرح جامع «توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار» با همکاری سایر سازمان ها و نهادهای ذی ربط و تشکل های غیردولتی در نظر گرفته شده است. در این ماده، همچنین افزایش مستمری ماهیانه خانواده های نیازمند و بی سرپرست و زنان سرپرست خانواده های تحت پوشش دستگاه های حمایتی بر مبنای چهل درصد حداقل حقوق و دست مزد گنجانده شده است.

علاوه بر این، در ماده ۸۹ بر تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از حقوق زنان در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن تأکید شده است. ماده ۱۰۰، صراحتاً به تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق زنان اشاره کرده است. ماده ۱۰۱ بر تساوی دستمزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم ارزش، برابری فرصت ها برای زنان و مردان، توانمندسازی زنان از طریق دست یابی به فرصت های شغلی مناسب، تأمین امنیت و آزادی لازم برای رشد تشکل های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان تصریح کرده است. ماده ۱۰۲ بر توانمندسازی زنان در جهت برقراری تعامل اجتماعی لازم برای شکل گیری فعالیت و احدهای تعاونی بانوان تأکید ورزیده است. (قانون توسعه چهارم، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

ماده ۱۱۱ دولت را مکلف کرده است برای نیل به هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت برای آنان و گسترش مشارکت آنها در کشور، اقدام های ذیل را انجام دهد:

- تدوین و تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان؛

- تنظیم و ارائه لوایح مربوط به تحکیم نهاد خانواده؛

- حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیردولتی زنان. (فرشچیان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷-۱۷۲)

همچنین در ماده ۱۱۴ برای تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت ها و گسترش

مشارکت آنان در امور کشور، دولت مکلف شده است اقداماتی انجام دهد؛ از جمله:

- تقویت مهارت های زنان متناسب با نیاز جامعه و تحولات فناوری؛

- ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باور عمومی به شایستگی آنان؛

- تهیه برنامه های پیش گیرانه و تمهیدات قانونی برای رفع خشونت از زنان.

تجربه ای که از اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه توسعه سوم به دست آمد، این بود که به دلیل وظایف مشخص شده برای امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، برخی دستگاه ها خود را چندان موظف به مشارکت در امور زنان نمی دانستند و گاهی هم در بعضی از آنها مقاومت هایی برای اجرای مسائل زنان صورت می گرفت. از این رو، «مرکز امور مشارکت زنان» می بایست يك تنه بسیاری از مسائل مربوط به زنان را پیش می برد. ولی در برنامه توسعه چهارم، کل دولت متناسب با وظایف خود، به پیشبرد امور بانوان موظف گردید و برای تحقق این هدف، تبصره ای در قانون «برنامه توسعه چهارم» آمد که دستگاه های اجرایی را مکلف کرد در بودجه های سنواتی خود، ردیف خاصی برای فعالیت زنان پیش بینی کنند و بدان اختصاص دهند.

بنابراین، «برنامه توسعه چهارم» ضمن صحه گذاشتن بر کمبودهای قانونی در جهت ارتقای همه جانبه زنان، می کوشد با ارائه رهنمودهای کلی، برنامه ریزان کشور را به تهیه و تصویب قوانینی که موجب رشد کمی و به ویژه کیفی وضع زنان می شود، بکشاند. (فرشچیان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷-۱۶۲)

ج. طرح «توانمند سازی بانوان سرپرست خانوار»

این طرح، که در یازده ماده پیشنهاد شد، در مجلس ششم به دلیل تراکم لوایح و طرح ها، امکان مطرح شدن و تصویب نهایی را نیافت و به همین دلیل، به مجلس هفتم رفت. در صورت تصویب این طرح در مجلس هفتم و شورای نگهبان، آینده خوبی برای زنان سرپرست خانوار در پیش روست و به تبع آن، تأثیر مطلوبی در ارتقای حقوق زنان در دیگر بخش ها خواهد گذاشت. در این طرح، «توانمندسازی» عبارت از فراهم کردن امکانات لازم برای بهبود و ارتقای وضعیت همه جانبه زنان در عرصه های اجتماعی است، و نیز «زنان سرپرست خانوار» یا «خود سرپرست» به زنانی اطلاق می شود که مسئولیت تأمین معاش زندگی و امور معنوی خود یا خانواده را به طور دائم یا موقت بر عهده دارند.

طرح برای توانمند کردن زنان بی سرپرست، توصیه می کند در گام اول، خدمات ذیل در اختیار آنان قرار گیرد:

۱. خدمات فرهنگی: به منظور تسهیل در مشارکت زنان در ارائه فعالیت های فرهنگی زنانه در عرصه رسانه ها؛

۲. خدمات اجتماعی: ارائه خدمات مددکاری، مشاوره ای، آموزشی، حقوقی، خانوادگی و دیگر خدمات مشابه؛

۳. خدمات اقتصادی: پرداخت کمک هزینه زندگی مستمر و اعطای تسهیلات اعتباری با اولویت زنان با نرخ سود حمایت شده.

در مرحله دوم طرح، به آموزش مهارت های زندگی و آموزشی برای کارایی توجه شده است تا از این طریق، اتکای دایم زنان به کمک دولت برطرف شود و خود زنان بی سرپرست در جهت بهبود وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، عاطفی، جسمانی و روانی شان گام بردارند.

مرحله سوم طرح، «پایش و پی گیری» نام دارد که شامل پی گیری های تخصصی خواهد بود تا توانمندی و استقلال خانواده ها و زنان بی سرپرست یا خودسرپرست در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ادامه یابد.

سازمان «مدیریت و برنامه ریزی کشور» سه ماه پس از تصویب طرح، مکلف است با همکاری دستگاه های اجرایی دولتی ذی ربط، آیین نامه اجرایی طرح را تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند تا پس از آن، قانون «توانمندسازی زنان» در وضعیت اجرایی قرار گیرد. تمام وزارت خانه ها و سازمان های دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات عمومی و سازمان هایی که شمول قانون بر آن ها مستلزم ذکر نام است، موظفند همکاری لازم را در زمینه اجرای طرح «توانمندسازی زنان» به عمل آورند. بر پایه این قانون، دولت باید برای اجرای مستمر و سالیانه طرح، هزینه مستقل و جداگانه ای در بودجه سالانه در نظر بگیرد و البته برای افزایش اطمینان در اجرای این قانون، به دستگاه های اجرایی دولتی اجازه داده شده است از هدیه و کمک اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای آن استفاده کنند. (گرامی زادگان، ۱۳۸۳، ص ۲۲۰-۲۵۳)

طرح توانمندسازی يك طرح اجرائی و عملیاتی است که با روح قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه به منظور ارتقای وضع زنان، مناسبت دارد. طبیعی است مفاهیم ارزشی و انقلابی قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه با تهیه، تصویب و اجرای قوانین و مقرراتی همچون طرح توانمندسازی زنان قابل اجراست.

د. پیش نویس منشور «جایگاه زن در فرایند توسعه کشور»

در جهت درخواست بند الف ماده ۱۱۱ برنامه توسعه کشور، پیش نویس منشور «جایگاه زن در فرایند توسعه کشور» از سوی «مرکز امور مشارکت زنان» ریاست جمهوری تهیه شده و در اختیار صاحب نظران قرار گرفته است. این منشور بر این اصل استوار است که زنان شرط لازم و اجتناب ناپذیر برای تأمین انسجام فکری و عملی در سطوح تعلیم و تربیت، پژوهش و تحقیق، و به ویژه در سطح تصمیم سازی و تصمیم گیری، و نیز عامل مؤثر در برنامه توسعه و ترقی عملی کشور به شمار می آیند. هدف منشور، ترسیم زیربنای فکری برای اتخاذ روش های مناسب در طراحی استراتژی ملی نظام جمهوری اسلامی در رابطه با زنان است. این منشور در سه بخش تنظیم شده که - به ترتیب - به تشریح مفاهیم، توضیح وضعیت مطلوب برای زنان، و راهبردهای عملی در نیل به وضعیت مطلوب زنان می پردازد.

در بخش دوم و در فصل «ابعاد سیاسی فعالیت های اجتماعی زنان»، شاخصه های وضعیت مطلوب زنان در عرصه توسعه سیاسی - اجتماعی ذکر شده که برخی از آنها عبارت است از:

۱- تحقق اراده عمومی بر تغییر وضع سیاسی - اجتماعی زنان بر اساس اصل «شایسته سالاری»؛

۲- تحقق مشارکت ملی زنان در سطح آزادی های فردی و مدنی؛

۳- تحقق عدالت جنسیتی در تقسیم مناصب تصمیم سازی و تصمیم گیری؛

۴- توانمندسازی زنان برای ارتقای سطح اداره کشور؛

۵- جریان یافتن خواسته های سیاسی - اجتماعی زنان در روند تصمیم گیری های کلان؛

۶- مشارکت زنان در تصمیم گیری سیاسی - اجتماعی.

در بخش سوم و در فصل مربوط به زنان و سیاست های تقویت مشارکت سیاسی، راه های

تقویت مشارکت احصاشده که مهم ترین آنها عبارت است از:

۱- گسترش جامعه پذیری و توانایی برای پذیرش مشارکت زنان در فرایند توسعه؛

۲- توسعه و تشویق حضور زنان در سطوح مدیریت دولتی بر مدار دو اصل دانایی و

توانایی؛

۳. استفاده از توانمندی های زنان در سطوح گوناگون مدیریت امور بین الملل و خارجی؛

۴- مشارکت زنان در بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات موجود برای حل مشکلات

بانوان؛

۵- اولویت دهی و جهت دهی به فعالیت های حمایتی دولت به سوی محروم ترین گروه زنان

کشور؛

۶- تقویت همکاری بین زنان ایران و کشورهای دیگر در حمایت و دفاع از زنان محروم و

نیازمند؛

۷- فراهم سازی حضور بیشتر زنان در بخش های دولتی و غیردولتی؛

۸- آگاهی بخشی به برنامه ریزان در لزوم رعایت حضور نقش جنسیت در برنامه ریزی؛

۹- ایجاد وحدت رویه و تقویت و هماهنگ ساختن دستگاه های دولتی و غیردولتی در امور

مربوط به مشارکت سیاسی اجتماعی زنان. (اکوچکیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴، ۶۱ و ۱۰۵)

این منشور نیز باید به مجلس برود و در صورت گذراندن مراحل تصویب نهایی و قانونی،

در صحنه اجرائی و عملیاتی، می تواند برخی از محرومیت های زنان در عرصه امور سیاسی و

اجتماعی را جبران نماید.

اما منشور «حقوق و مسئولیت های زنان» بیش از منشور «جایگاه زنان» می تواند زمینه

مشارکت سیاسی و اجتماعی بانوان را فراهم آورد؛ زیرا این منشور با الهام از شریعت اسلام و نظام

حقوقی آن و با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال و با هدف تبیین نظام مند حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی تدوین گردیده است و بر تبیین حقوق و تکالیف زنان در اسلام اهتمام دارد و مبتنی بر قانون اساسی، اندیشه های والای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب و با بهره گیری از سند چشم انداز بیست ساله و سیاست های کلی نظام و با توجه به قوانین موجود و کاستی های آن و به منظور تحقق عدالت و انصاف در جامعه زنان مسلمان تنظیم شده و به همین دلیل، فراگیر و جامع است. این منشور بر اساس بندهای ۱ و ۱۸ وظایف شورای انقلاب فرهنگی، به عنوان يك سند مرجع در سیاست گذاری در امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در ۳ بخش و ۵ فصل و ۱۴۸ بند در جلسه شماره ۵۴۶ مورخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۳ «شورای انقلاب فرهنگی» تصویب شد و تمام دستگاه های ذی ربط مکلف شدند در سیاست گذاری، اتخاذ تدابیر قانونی، تصمیم گیری و برنامه ریزی در خصوص زنان، قواعد و اصول مندرج در این منشور را رعایت نمایند و آن را مبنای معرفی و تبیین جایگاه زن مسلمان ایرانی در مجامع بین المللی قرار دهند. (شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۳، ص ۸)

منشور «حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی» به شکل ها و راه های گوناگون و در بندهای متعدد، زمینه حضور بیشتر و مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان را رقم زده است؛ از جمله:

- در ساختار منشور، حقوق و مسئولیت های زنان به صورت حقوق فردی، حقوق خانوادگی و حقوق اجتماعی تقسیم، و نیز حقوق اجتماعی بر حسب موضوع به حقوق سلامت، حقوق فرهنگی، حقوق اقتصادی، حقوق سیاسی و حقوق قضائی دسته بندی شده است.

- حق آزادی اندیشه، مصونیت از تعرض و امنیت در داشتن اعتقاد از حقوق فردی زنان به شمار آمده است.

- زنان از حق سیاست گذاری، قانون گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان و دیگر زمینه های اجتماعی مرتبط با بانوان برخوردارند. (شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۳، ص ۱۲)

خلاصه آنکه قانون اساسی در مقدمه و در اصول دیگر، چه به صورت خاص یا عام به مسئله زنان و خانواده پرداخته است. و در راستای ارزش، حق و تکلیف زنان قوانین قابل توجهی دارد. برنامه ریزان کشور با تأسی از قانون اساسی، موادی را در برنامه چهارم توسعه کشور طراحی کرده اند که نیل به مقام والای زن مسلمان را عملی تر و عینی تر می سازد. علاوه بر آن، در سطح عملیاتی و اجرایی هم طرح های خوبی در دستور کار مجلس هفتم قرار دارد که با تصویب آن ها، زنان در عرصه مشارکت سیاسی و اجتماعی سهم جدی تر و نهادینه تری پیدا می کنند. یکی از این

طرح ها، طرح «توانمندسازی زنان بی سرپرست یا خودسرپرست» است. حتی در قانون «برنامه چهارم توسعه» دولت مکلف شده است که طرح جامعی برای توانمندسازی همه زنان ارائه کند. پیش نویس منشور «جایگاه زن در فرایند توسعه کشور»، که «مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری» آن را بر اساس درخواست برنامه توسعه سوم تهیه کرده، طرح دیگری است که راهبردهای نیل به جامعه ای را که زنان مسلمان آن را بر اساس ارزش های اسلامی مطلوب بدانند، ترسیم می کند.

نتیجه آنکه به نظر می رسد آنچه تاکنون برای جامعه زنان ایران تحقق یافته است و آنچه با تصویب و اجرای قوانین جدید تحقق می یابد، تنها بخشی از خواسته های امام خمینی (رحمه الله) در باره زنان است؛ زیرا ایشان بر پایه برداشت درستی که از اسلام ارائه کرد، تفاوتی بین زن و مرد از لحاظ حقوق انسانی قایل نبود (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۴۹) و حتی معتقد بود: اسلام زن را مثل مرد در همه شئون سیاسی - اجتماعی دخالت می دهد. (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۴۹) همین بینش را مقام معظم رهبری درباره زنان ارائه کردند و فرمودند: «ما معتقدیم که زنان در هر جامعه سالم بشری قادرند و می باید فرصت پیدا کنند که در حدّ خویش، مسئولیت های خود را در پیشرفت های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره این جهان به عهده بگیرند که میان زن و مرد از این جهت تفاوتی نیست.» (خامنه ای، ۱۳۷۸، ص ۲۴۶) بنابراین، نهضتی که برای احقاق حقوق زنان مسلمان در پرتو حکومت اسلامی ایران آغاز شده، هنوز به انتها نرسیده است.

زنان، آینده و ویژگی های مشارکت سیاسی

با توجه به آنچه امام راحل (رحمه الله) فرمود که «حضور زنان در صحنه سیاسی و اجتماعی نه تنها لازم، بلکه واجب و ضروری است... و زن باید در مقررات اساسی مملکت دخالت کند.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۱۵۳) تردیدی در ضرورت حضور سیاسی اجتماعی زن باقی نمانده است، اما برای نسل جدیدی که صحنه های خدایسندانه حضور زنان را ندیده و حتی کمتر آن را به گوش شنیده است، باید الگویی ارائه کرد که با حفظ حضور سیاسی - اجتماعی خود، به وظایف خود، به عنوان يك زن مسلمان عمل کند. از این رو، این سؤال مطرح می شود که شرایط و ویژگی های حضور سیاسی - اجتماعی زنان چیست؟ برای یافتن پاسخ این سؤال، به برخی از این ویژگی ها اشاره می کنیم:

الف. حجاب و آثار و فواید آن

یکی از مواهب آفرینش، قرار دادن پوشش برای موجودات است. نقش این موهبت در نگه داری موجودات از عوامل مخرب و از بین برنده است. علاوه بر این، پوشش موجب زینت و زیبایی آنان می شود. قرآن در این باره می فرماید: «ای فرزندان آدم! بر شما لباسی فرو فرستادیم که اندامتان را می پوشاند و مایه زینت شماست.» (اعراف: ۲۶) پوشش در اسلام، هم برای مردان است و هم برای

زنان، ولی حجاب در مورد زنان مهم تر است؛ زیرا، اندام ها و زیبایی های زنان را، که برای مردان تحریک آمیز است، می پوشاند و مرد تحریک شده هم، که از نظر جسمی قوی تر از زن است، می تواند به زن آسیب وارد کند. از این روست که قرآن می فرماید: «به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود - جز آن مقدار را که نمایان است - آشکار ننمایند و گوشه های روسری خود را بر سینه افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).» (نور: ۳۱)

از دیگر آثار پوشش و حجاب، عبارت است از:

۱- تحکیم شالوده خانواده و تقویت پایه های دوستی بین زن و شوهر: بی توجهی به حجاب، موجب جلب نگاه های ناپاک افراد آژمند می شود، و زمانی که مرد احساس کند همسر او مورد نظر و طمع دیگران است، روابط دوستانه زوجین به هم می خورد.

۲- کم رنگ شدن جذابیت های زنان نامحرم برای مردان: بی حجابی موجب می گردد به تدریج، زن و جاذبه های او برای مردان کم شود و روابط زن و مرد حالتی عادی به خود بگیرد. در این صورت - همان گونه که در غرب اتفاق افتاده است - همجنس بازی، هم در مردان و هم در زنان گسترش می یابد.

۳- دست یابی به اهداف ها و مسائل اصلی حیات انسانی: نمایاندن زیبایی های زن، افراد ناباب را به ایجاد مزاحمت برای بانوان وامی دارد و دل مشغولی و پریشان حالی زنان نسبت به این اذیت و آزارها، فرصت های خدادادی برای نیل به هدف های انسانی و الهی را از زنان می گیرد.

۴- نیل به جامعه ای سالم و پاک: حفظ سلامت و پاکی اجتماعی در گرو انسان های صالح است، اما جامعه سالم با انگیزه های نامطلوب و با قلب های ناپاک پدید نمی آید؛ یعنی افراد دارای قلب های آلوده، افکاری پلید و ویرانگر دارند و تحقق جامعه سالم را غیر ممکن می سازند. (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۴، ص

(۱۹۳-۱۷۹)

توده زنان مسلمان در طول تاریخ يك صد ساله گذشته، با حفظ حجاب و پوشش، حرکت های عظیمی آفریدند، حتی حوادث سال های پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن، شاهد حضور چشمگیر زنان چادری در همه صحنه ها بوده است. برای امروز و فردا هم این پوشش بر پایه تعالیم قرآن و تجارب انسان يك ضرورت است. امام خمینی (رحمه الله) هم بر این حضور با پوشش اسلامی زنان تأکید ورزیده اند: «امروز باید خانم ها وظایف اجتماعی خودشان را، وظایف دینی خودشان را، باید عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند، و روی آن عفت عمومی، کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸، ص ۲۴۶) «در آن محیطی که شما تعلیم نظامی می بینید، باید... محیط اسلامی باشد، همه جهات عفاف محفوظ باشد.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸، ص ۲۴۶) «زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.»

(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸، ص ۲۴۶)

ب. حضور بانوان در فعالیت های اجتماعی

امام باقر (علیه السلام) به نقل از رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند: در اسلام هیچ بنیانی نزد خداوند، محبوب تر از ازدواج نیست. (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۳) شاید این به آن دلیل است که با ازدواج، خانواده شکل می گیرد. زمانی که خانواده تشکیل شد، پاس داری از آن مهم ترین وظیفه اخلاقی اعضای آن است. به همین دلیل، طلاق با آنکه حلال است، ولی منفورترین حلال نزد خداوند است. پس ضرورت شرعی و عقلی حفظ خانواده می طلبد که حضور اجتماعی زنان مشروط باشد به اینکه خللی بر پایداری و موجودیت خانواده وارد نیاید. رعایت این شرط در مورد مردان نیز لازم است، ولی حفظ بنیاد خانواده اقتضا می کند که مرد بیشتر در بیرون خانه باشد و به کسب معاش و تأمین هزینه زندگی بپردازد، در حالی که وظیفه زن برای حفظ خانواده به آن است که به وظایفی که در خانه دارد - از جمله توجه به حقوق همسر - عمل نماید.

برخی ممکن است تصور کنند که دستور مزبور نشان می دهد اسلام با حضور اجتماعی زنان چندان موافقتی ندارد، اما چنین پنداری درست نیست؛ زیرا اگر دین به فعالیت های اجتماعی زنان رضایت نمی داد و با حضور اجتماعی آنان مخالف بود، آن را به طور کلی نهی می کرد و خانه نشینی را از وظایف حتمی زنان مقرر می نمود، در حالی که به عکس آنچه برخی می پندارند، اسلام حضور سیاسی اجتماعی زنان را می پذیرد، ولی مشروعیت آن را در اغلب موارد، مشروط به هماهنگی با شوهر می داند. در واقع، دین بر حضور سیاسی - اجتماعی زنان مهر تأیید می زند، ولی در پی آن هم هست که حضور سیاسی اجتماعی زنان به سست شدن و ناستواری ارکان خانواده منجر نشود و جامعه از فساد عظیم تزلزل خانواده برکنار بماند. البته این شرط تا موقعی است که حضور زن در بیرون خانه به خاطر کاری که بر او واجب شرعی است، نباشد. در غیر این صورت، ادای آن واجب شرعی بر اذن شوهر و رضایت او مقدم است.

رهبر معظم انقلاب به تأسی از اسلام، بر حضور سیاسی و اجتماعی زنان با حفظ و رعایت حقوق همسر صحّه گذاشته و آن را مقدم بر کار بیرون از خانه خانم ها دانسته اند: «وقتی راجع به مسئولیت داخلی زن صحبت می کنیم، منظورمان این نیست که باید مسئولیت اجتماعی از دوش زن برداشته شود، بلکه مسئولیت اجتماعی هم بردوش اوست، و آن غیر این است. ولی اینجا تقدّم وجود دارد؛ همچنان که در مورد مرد هم تقدّم وجود دارد ... (خانم ها) با حفظ مسئولیت (خانوادگی) هر مقدار که توانایی دارند، برای مسئولیت اجتماعی سیاسی صرف کنند.» (خامنه ای، ۱۳۶۹، ص ۲۰۴)

بار دیگر بر این نکته باید تأکید ورزید که رعایت و حفظ حقوق همسر مشروط است به اینکه عدم حضور سیاسی - اجتماعی زنان، لطمه ای به اساس دین وارد نکند، و زمانی که حاضر نبودن زنان بیم لطمه خوردن به اسلام را در پی داشته باشد، اذن شوهر برای در خانه ماندن زنان، ضرورت شرعی ندارد.

ج. تربیت فرزند

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را تربیت نیکو کنید. (طبری، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲) «تربیت کودکان» وقت، توان و بردباری فراوان می خواهد. همچنین، این تربیت تنها منحصر به برآوردن نیازهای جسمی کودکان نیست، بلکه رشد معنوی فرزندان را هم دربر می گیرد. بر این مسئله، امام صادق(علیه السلام) هم تأکید ورزیده اند که فرزندان خود را با احادیث ما آشنا کنید، پیش از آنکه (گروه های منحرف از جمله) «مرجئه» به سراغ آن ها بروند. (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۹۶) از این حدیث استفاده می شود که اگر خانواده ها نسبت به تربیت اعتقادی و اسلامی فرزندان خود توجه لازم نداشته باشند، دیر یا زود فرزندانشان به شکار جریان های انحرافی در خواهند آمد، به ویژه در وضعیت کنونی جامعه که تهاجم فرهنگی دام خود را حتی در داخل خانه ها گسترانده، دقت و تأمل در تربیت کودکان، ضرورتی اجتناب پذیرتر از گذشته است.

درباره تربیت کودکان، هر يك از والدین نقش اساسی و تعیین کننده دارند، ولی نقش تربیتی مادر با اهمیت تر است؛ زیرا مادر به لحاظ احساسات و عواطف خود، روابط نزدیک تر و عاطفی تری با فرزندان دارد. امام خمینی(رحمه الله) در تأیید این موضوع، فرمودند: «عواطفی که در بانوان هست مخصوص خودشان است و در مردها این عواطف نیست.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۴، ص ۲۳۰) همین عواطف پاک مادرانه، ابزار اصلی در تربیت اخلاقی کودکان است، مشروط به اینکه زن از مسئولیت کارهای بیرون منزل، فارغ باشد. در غیر این صورت، زن هم نمی تواند در انجام این مسئولیت بزرگ موفق شود.

ویل دورانت در تأیید این مسئله نوشته است: «اگر زن امروز غرب در حفظ خانواده و تربیت کودک ناتوان به نظر می رسد برای آن است که او مدتی است طبیعت خود را، که همان ایفای نقش همسری و تربیت کودک در خانه است، از یاد برده است.» (ویل دورانت، ۱۳۷۲، ص ۱۴۷)

مقام معظم رهبری بر نقش مهمی که زن در این زمینه (تربیت فرزندان) برعهده دارد، تأکید می ورزد و حضور سیاسی - اجتماعی زن را منوط به انجام خوب تربیت فرزندان و کودکان می داند: «مادر به لحاظ رنج های طاقت فرسا برای پرورش فرزندان و مهر خالصانه، در مرتبه ای بالاتر از پدر قرار دارد. کم رنگ شدن محبت میان مادران و اطفال، ارتباط عاطفی آنان را رو به زوال می برد و این وضع در بروز ناهنجاری های فردی و اجتماعی دخالت مهمی دارد. از آنجاکه مادر نمونه مهرورزی و عواطف سرشار است، مظهر رحمت الهی می باشد و رضایت و دعای او سبب جلب رضایت پروردگار و غفران الهی خواهد بود. از دیدگاه ارزشی اسلام، مادر سهم اصلی و اساسی را در تربیت کودک ایفا می کند و افراد دیگر، حتی پدر، معلم و استاد در مقایسه با نقش مادر، جنبه ثانوی دارند. از این رو، امام خمینی(رحمه الله) فرمود: "دامن مادر، بزرگ ترین مدرسه ای است

که بچه در آنجا تربیت می شود ... " (خامنه ای، ۱۳۷۸، ص ۷۱) «این نظر اسلام است ... در عین حال، میدان ... سیاسی بر روی او باز شده است.» (خامنه ای، ۱۳۸۱، ص ۱۷۷)

د. فعالیت اقتصادی زنان بیرون از خانه

در اینکه زنان از نظر اسلام مجاز به فعالیت مفید تولیدی، فرهنگی، خدماتی و غیر آن در بیرون از محیط خانه اند، تردیدی وجود ندارد. با این وصف، قرآن بر متناسب بودن مشاغل با توانایی های روحی و جسمی زنان تأکید می‌ورزد: «برتری هایی را که خداوند برای برخی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید (این تفاوت های طبیعی و حقوقی برای حفظ نظام زندگی و طبق عدالت است، ولی با این حال)، مردان نصیبی دارند از آنچه به دست می آورند، و زنان نیز نصیبی دارند (و نباید حقوق هیچ يك پايمال گردد). از فضل و رحمت و برکت خدا (برای رفع تنگناها) طلب کنید و خداوند بر هر چیزی داناست.» (نساء: ۳۲)

از این رو، در صدر اسلام و پس از آن در عصر امامان معصوم (علیهم السلام) زنانی بودند که در زمینه تجارت، کشاورزی، دام داری و غیر آن، به فعالیت مشغول بودند و پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السلام) با آنها مخالفتی نکردند. بنابراین، اشتغال زنان در اموری که توانایی انجام آن را دارند بی اشکال است، بخصوص مشاغلی همچون آموزش و پرورش، بهداشت و امور پزشکی که متناسب با ویژگی های روحی زنان است، که مطلوب و گاهی ضروری است. اما باید توجه داشت که فراگیر کردن فرهنگ اشتغال زنان به صلاح زنان و جامعه نیست؛ چون اشتغال زنان در کارهایی که تناسبی با توانایی های جسمی و ظرافت های روحی آنان ندارد، به آنها زیان می رساند و نیز اشتغال زنان در کارهای مردانه که مردان کافی هم برای تصدی آنها وجود دارند، به بیکاری مردان می انجامد. اما اگر مشاغل غیر متناسب با توانایی روحی و جسمی زنان به مردان واگذار شود، از میزان بیکاری مردان کاسته می شود و بر آمار ازدواج افزوده و از آمار جرایم کاسته می شود. در این زمینه، مشکل دیگری هم بروز می کند و آن این است که زنان نسبت به درآمدی که کسب می کنند، هیچ گونه مسئولیتی در برابر هزینه زندگی ندارند.

امام خمینی (رحمه الله) فرمودند: «زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حدّ شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی، می تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت هایی را بر عهده بگیرد.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۹۲)

در این سخن حضرت امام (رحمه الله)، بر رشد معنوی زنان تأکید شده است، اما کسی شك ندارد که ایشان در طول دوران پس از انقلاب اسلامی، مسئولیت سیاسی - اجتماعی زنان را تنها با رعایت و حفظ نقش مادری پذیرفته است: «شماها موظف هستید که اولاد خودتان را خوب تربیت کنید.» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۲۶۱)

نتیجه گیری

بر پایه آنچه گذشت، می توان گفت:

- ۱- زنان تا دهه ۱۳۴۰ از حقوق سیاسی محروم بودند و پس از آن، اگرچه به حقوق سیاسی اندکی دست یافتند، ولی به میدان آوردن آنها، بیشتر به دلیل سوء استفاده از آنان بوده است.
- ۲- امام خمینی(رحمه الله) با پدید آوردن نگاهی جدید به زنان مسلمان، که مبنی بر اسلام ناب بود، آنان را به مشارکت سیاسی فراخواند و هم اینان بودند که با رعایت ارزش های اسلامی، سهم بالایی در خلق انقلاب اسلامی داشتند.
- ۳- در پی کسب هویت انسانی جدید مبتنی بر ارزش های واقعی اسلام، زنان توانستند پس از انقلاب اسلامی منشأ تحولاتی شگرف در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی گردند و در این راه، نقش آنان در دفاع مقدس برجسته تر است. پس از جنگ نیز حضور آنان در میدان های بین المللی قابل تحسین است.
- ۴- جمهوری اسلامی بر پایه ارزش هایی که برای زنان قایل است، در پی آن است که با وضع قوانین تازه و احیای قوانین گذشته، وضع زنان را در ابعاد سیاسی و اجتماعی بهبود بخشد و آنان را به مقام درخور شأنشان برساند. مقدمات نیل به این مقصود فراهم آمده است:
اولاً، زنان را به این باور رسانده که می توانند مسئولیت های خود را برعهده بگیرند.
ثانیاً، زمینه های فرهنگی و دینی عدم شایستگی زنان برای مداخله در امور اجتماعی و به ویژه سیاسی برطرف شده است.
ثالثاً، زنان پس از انقلاب اسلامی به توانایی های تازه ای در عرصه های اجتماعی و بخصوص علمی، دست یافته اند و این امر توان و جسارت آنان را برای ورود به میدان های سیاسی - اجتماعی، بیشتر کرده است.
رابعاً، مهم تر از همه، قوانین و شرایط حقوقی لازم برای دست یابی به حقوق کامل انسانی و الهی ایجاد شده است. در این شرایط، شاید تنها - و یا مهم ترین - مسئله برای نیل به مقام واقعی، باور بیشتر و نهادینه شده این اعتقاد است که «ما می توانیم.»

منابع

* قرآن کریم.

۱. آکوچکیان، احمد، *پیش نویس منشور جایگاه زن در فرآیند توسعه کشور*، ۱۳۸۳، تهران، سوره.
۲. ارشدی، مریم، «زنان و شش دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی»، *پیام زن*، ۱۳۸۴، ش ۱۵۷.
۳. امیری، ابراهیم، «روز شمار تحولات و رویدادهای زنان در بیست و پنج سال گذشته»، *پیام زن*، ۱۳۸۴، ش ۱۵۷.
۴. بشیری، فرحناز، «زنان و شوراها، فصلی جدید»، *پیام زن*، ۱۳۸۴، ش ۱۵۷.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ۱۴۱۲، قم، مهر.
۶. خامنه ای، سیدعلی، *مجموعه مصاحبه های مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری*، ۱۳۶۹، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. خامنه ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری)، *آیین زن*، ۱۳۸۱، قم، کتاب طه.
۸. _____، _____، *جایگاه و حقوق زن*، ۱۳۸۳، تهران، معاونت فرهنگی سپاه.
۹. _____، _____، *زن از دیدگاه مقام معظم رهبری*، ۱۳۷۸، تهران، نوادر.
۱۰. _____، _____، *فرهنگ و تهاجم فرهنگی*، ۱۳۷۱، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۱. خمینی، روح الله (امام خمینی)، *صحیفه نور*، ۱۳۶۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. دورانت، ویل، *لذات فلسفه*، ۱۳۷۲، ترجمه عباس زریاب، تهران، اندیشه.
۱۳. رجبی، مریم، «وضعیت آماری مدیریت زنان در ایران»، فصل نامه *ریحانه*، ۱۳۸۳، ش ۳.
۱۴. شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، *منشور حقوق و مسئولیت های زنان*، ۱۳۸۳، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، ۱۳۹۲، لبنان، اعلمی.
۱۶. طغرانگار، حسن، «حقوق سیاسی اجتماعی زنان، پیش و پس از انقلاب اسلامی»، *پیام زن*، ۱۳۸۴، ش ۱۵۷.
۱۷. فرشچیان، مینا، «زنان و لایحه چهارم توسعه»، فصل نامه *ریحانه*، ۱۳۸۳، ش ۸.
۱۸. *قانون اساسی*، ۱۳۶۸، تهران، مجلس شورای اسلامی.
۱۹. *قانون توسعه چهارم*، ۱۳۸۴، تهران، مجلس شورای اسلامی.
۲۰. گرامی زندگان، اشرف، «حضور و حقوق زنان در شش دوره مجلس شورای اسلامی»، ویژه نامه *پیام زن*، ۱۳۸۴، ش ۱۵۷.
۲۱. معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، *۹۲ دستاورد انقلاب اسلامی ایران*، ۱۳۸۲، تهران.
۲۲. موسوی کاشمیری، سید مهدی، «حضور اجتماعی زنان، بایدها و نبایدها»، ویژه نامه *پیام زن*، ۱۳۸۴، ش ۱۵۷.